

## الگو یا مسئول؟

یادداشت مهندس محمد توسلی در حاشیه سخنان شهردار تهران

هم میهن، ۱۳۸۶/۲/۲۶

آقای محمد باقر قالیباف شهردار محترم تهران پس از چند روز رایزنی فشرده شورای شهر سوم در سمت خود ابقا شد. جا دارد بخاطر تداوم مدیریت شهری و جلوگیری از تحمیل هزینه بیشتر بر شهر تهران از این انتخاب استقبال کنیم و برای ایشان و شورای شهر تهران در اجرای وظائف خطیری که به عهده گرفته‌اند آرزوی موفقیت کنیم.

در حاشیه جلسه شورای شهر آقای قالیباف پس از این انتخاب ضمن اشاره به رئوس برنامه‌های خود اظهار داشتند: "معتقدیم که مدیران اجرائی مسئول دین مردم هم هستند و باید در این راه تلاش کرده و به معروف سازی ارزش‌ها در رئوس کارها بپردازند." (همشهری ۸۶/۲/۲۰)

البته درخصوص رئوس برنامه‌های ایشان جا دارد مورد ارزیابی و اظهار نظر کارشناسی قرار گیرد که موضوع این نوشته نیست. آنچه مرا بر آن داشت تا این یادداشت را بنویسم رفع ابهام مهمی است که در این سخن ایشان به چشم می‌خورد.

اگر منظور آقای قالیباف از بیان این مطلب این است که مدیران اجرائی بایستی با انجام وظائف محوله با صداقت و امانت به مردم خدمت کنند و با رفتار شایسته خود در جامعه ایمانی الگو باشند و از این طریق با اعتمادسازی در مردم ارزشهای انسانی و اخلاق اسلامی مورد عمل قرار گیرد و این ارزشها هنجار اجتماعی شود، البته این دیدگاه با آموزه‌های اسلامی هماهنگ است و عین صواب. اما اگر منظور این باشد که مدیران اجرائی خود را مسئول و یا متولی دین مردم بدانند و با این دیدگاه بخواهند ضمن ارائه خدمات، مردم را به دین‌داری وادار کنند البته این نظر جای تامل بسیار دارد و با آموزه‌های قرآنی هماهنگ نیست.

بسیار بعید است که منظور جناب قالیباف برداشت دوم باشد. با توجه به اهمیت موضوع توضیحات بیشتر ایشان این ابهام را برطرف خواهد کرد.

برای روشن شدن زمینه‌های آموزه‌های قرآنی در این خصوص و عملکرد پیشوایان دینی اجمالاً به چند نکته در اینجا اشاره می‌کنم.

۱- مجموعه آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند رسالت راهبردی همه پیامبران از جمله رسالت پیامبر بزرگوار اسلام (ص) را ارائه کتاب، حکمت، پالایش نفوس انسانها و آگاهی بخشی معرفی می‌کند تا انسانها خود این ارزشها را در جامعه به پا دارند (حدید/۲۵، جمعه/۲). آموزه‌های قرآنی، پیامبران را از اینکه خود را مسئول و متولی دین مردم تلقی کنند بر حذر داشته است. در آیات متعددی تصریح شده است که تو ای پیامبر به خاطر علاقه‌ای که به رسالتت داری نبایستی خود را مأمور، موکل، نگهبان و مسئول دین مردم تلقی کنی. (یونس/ ۱۰۸، انعام/ ۱۰۷، غاشیه/ ۲۱ و ۲۲ و...). وظیفه پیامبر ضمن ابلاغ پیام رسالت در مرحله اول این است که اسوه، الگو و شاهدهی امین برای رسالت خود باشد و در مرحله بعد به بشارت مؤمنین و بیم دادن به انکارورزان رسالت بپردازد. (فاطر/ ۲۳، مائده/ ۹۹ و یونس/ ۹۹، احزاب/ ۳۳ و فتح/ ۴۸)

۲- در قرآن همانگونه که جایگاه پیامبران را اسوه و شاهد بودن برای مؤمنین، می‌داند وظیفه مؤمنین را نیز الگو شدن برای سایر انسانها معرفی می‌کند (احزاب/ ۲۱، حج/ ۸۷).

۳- در رفتار اجتماعی پیامبر و ائمه علیهم السلام نیز همین آموزه‌های قرآنی بطور برجسته مشاهده می‌شود. یکی از ابلاغ‌های آموزنده تاریخی، دستورالعمل حکومتی یا فرمان علی (ع) به مالک (پسر حارث) اشتر نخعی است. در این نامه علی (ع)، که ما افتخار پیروی از آن حضرت را داریم، وظایف مدیر اجرایی خود را در مصر در چهار عرصه اقتصادی و تمثیت امور زندگی مردم، حفظ امنیت داخلی و حدود ثغور کشور، سامان دادن به کار و کیفیت زندگی مردم و عمران و آبادی شهرها به تفصیل شرح داده است. طرفه آنکه در هیچیک از فرازهای این نامه مفصل کوچکترین اشاره‌ای به مسئولیت مدیر اجرایی در خصوص دین مردم نشده است.

در سالهای دهه شصت گاهی گزارش می‌شد که در فرصت‌هایی این نامه تاریخی علی (ع) در جلسات هیئت دولت خوانده می‌شد. شاید لازم باشد بار دیگر مدیران اجرایی کشور مطالعه این نامه را در برنامه شخصی خود منظور کنند. ترجمه روان نهج البلاغه توسط شادروان دکتر اسدالله مبشری، اولین وزیر دادگستری بعد از پیروزی انقلاب، می‌تواند منبع ارزشمندی برای مطالعه علاقه‌مندان باشد.

۴- در شرایطی که خداوند پیامبر خود را که حامل و امین وحی است از اینکه احساس کند مأمور، وکیل و یا مسئول دین مردم باشد برحذر داشته و فقط خواسته است که پیامبر آسوه و شاهد رسالت خود باشد و برای مؤمنین نیز چنین مسئولیتی را در حوزه شخصی آنان مشخص کرده است، آیا می‌توان انتظار داشت مدیران اجرایی کشور وظیفه‌ای بالاتر برعهده داشته باشند؟